



معاونت پژوهش‌های
بنیادین

مجله

نشست علمی

نظرات شاخص شورای نگهبان مواجهه ایران با نظام بین الملل حقوق بشر در سطح هنجاری با تأکید بر حقوق زنان

■ شماره مسلسل: ۱۴۰۳۰۲

■ تاریخ: ۱۴۰۳/۰۲/۱۸



پژوهشکده شورای نگهبان

شناسنامه

عنوان:

نظرات شاخص شورای نگهبان

مواجهه ایران با نظام بین‌الملل حقوق بشر در سطح هنجاری با تأکید بر حقوق زنان

(اظهارنظر شماره ۳۹۷۲ مورخ ۱۳۸۲/۵/۲۷ شورای نگهبان پیرامون «لایحه الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» مصوب ۱۳۸۲/۵/۱ مجلس شورای اسلامی)

تحقیق و تنظیم:

محمد میثم نداف‌پور

ناظران علمی:

دکتر علی فتاحی زفرقندی

کمال کدخدای‌امردی

شماره مسلسل: ۱۴۰۳۰۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۲/۱۸

پژوهشکده شورای نگهبان



بیشگفتار

صیانت از شریعت مقدس اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رسالت مقدسی است که زمینه گسترش و تحقق کامل عدالت در نظام جمهوری اسلامی ایران را فراهم می‌آورد و سرمایه اجتماعی نظام را بیش از پیش مستحکم می‌سازد. شورای نگهبان نهادی اساسی است که در جهت صیانت از این دو هنجار برتر، صلاحیت‌هایی چون نظارت بر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با موازین شرع و قانون اساسی، تفسیر قانون اساسی، نظارت بر انتخابات و نظارت شرعی بر قوانین و مقررات را بر عهده دارد. عمده این کارویژه‌ها در نظرات این شورا اعم از نظرات تفسیری (موضوع اصل ۹۸ قانون اساسی)، نظرات تطبیقی (تطبیق مصوبات مجلس با موازین شرع و قانون اساسی)، نظرات مشورتی (نظراتی که نصاب لازم تفسیر را کسب نمی‌کنند) و نظرات شرعی فقهای شورای نگهبان (موضوع اصل ۴ قانون اساسی) منعکس می‌شود.

اهمیت تبع و انعکاس در این نظرات بر کسی پوشیده نیست؛ چه آنکه شورای نگهبان، هنگامی که در قامت مفسر رسمی قانون اساسی ظاهر می‌شود، با ارائه تفسیری لازم‌الاتباع از اصول قانون اساسی، اجرای مفاد این قانون را ممکن می‌سازد؛ یا هنگامی که به تطبیق مصوبات مجلس با موازین اسلامی و قانون اساسی می‌پردازد، نقش صیانت‌گرایانه خویش را از اصول قانون اساسی ایفا می‌کند و یا هنگامی که در مقام اعمال نظرات شرعی بر می‌آید، مبنای دینی نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و شرعی بودن کلیه قوانین و مقررات را تضمین و عینیت می‌بخشد. بر همین اساس و باتوجه به تأثیرات انکارناپذیر این نظرات بر کلیت نظام حقوق اساسی کشور، مطالعه و تحلیل ابعاد گوناگون آن‌ها حائز اهمیت می‌باشد.

در همین راستا، پژوهشکده شورای نگهبان به عنوان بازوی پژوهشی این شورا، طرح پژوهشی «بازخوانی تحلیلی نظرات شاخص شورای نگهبان» را با هدف تحلیل مبانی، آثار و نقاط قوت و ضعف نظرات شاخص و نیز کشف ظرفیت‌های شورای نگهبان در تحول و تکامل نظام حقوقی و آسیب‌شناسی مسائل مهم و

تأثیرگذار آن از خلال بازخوانی این نظرات، در قالب سلسله نشست‌هایی طراحی نمود که دستاوردهای آن هم‌اکنون پیش روی اندیشمندان و پژوهشگران قرار دارد. منظور از «نظرات شاخص» در این طرح، آن دسته از نظراتی است که تأثیری ویژه بر نظام حقوقی نهاده‌اند، به نحوی که یا تحولی بنیادین در نظام حقوقی را رقم زده‌اند، یا شکل‌گیری رویه‌ای نوین را سبب شده‌اند و یا رویکردی خلاف رویکردهای مشهور را در پیش گرفته‌اند.

روش اجرای طرح نیز بدین صورت است که نظری شاخص در دستور کار هر نشست قرار می‌گیرد و هریک از پژوهشگران براساس سند پشتیبان تهیه‌شده از سوی دبیر جلسه، پیشاپیش به مطالعه سند و موضوعات مرتبط با دستور جلسه می‌پردازند و در حین برگزاری نشست، نتایج مطالعات خود را با سایر پژوهشگران به بحث و اشتراک می‌نهند. گزارش پیش‌رو، روایت نکات مطرح شده در جلسات است که توسط دبیر هر جلسه به رشته تحریر درآمده است.

ذکر این نکته ضروری است که این اثر نیز همچون سایر آثار بشری، خالی از نقصان و اشتباه نبوده و از تمامی صاحب‌نظران عرصه حقوق عمومی دعوت می‌شود تا با بیان کاستی‌های موجود در این اثر، موجبات رشد و ارتقای آن در چاپ‌های بعدی را فراهم آورند.

لازم به ذکر است که این گزارش، نظرات اعضای حاضر در جلسه بوده و بیانگر نظر پژوهشکده شورای نگهبان نمی‌باشد.

پژوهشکده شورای نگهبان

اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳

شناسنامه نشست

«نشست بررسی و تحلیل نظر شماره ۳۹۷۲ مورخ ۱۳۸۲/۵/۲۷ شورای نگهبان پیرامون «لایحه الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» مصوب ۱۳۸۲/۵/۱ مجلس شورای اسلامی با موضوع مواجهه ایران با نظام بین‌الملل حقوق بشر در سطح هنجاری با تأکید بر موضوع حقوق زنان با حضور پژوهشگران پژوهشکده شورای نگهبان به شرح ذیل (به ترتیب حروف الفبا) در تاریخ ۱۴۰۱/۱۲/۹ برگزار شد:

آقایان: دکتر مهدی ابراهیمی، دکتر احمد تقی‌زاده، احمد رحیمی، محمد جواد شفق، بشیر عیسی‌زاده، حمید فعلی، ابوالفضل کندری، محمد میثم نداف‌پور، علیرضا نصراللهی، دکتر حامد نیکونهاد، محمد مهدی همتی فقیه.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۲
چکیده.....	۶
مقدمه.....	۷
۱. نحوه مواجهه جمهوری اسلامی ایران با نظام بین‌المللی حقوق بشر در سطح هنگارها.....	۱۳
۱.۱. بایسته‌های مواجهه جمهوری اسلامی با نظام بین‌المللی حقوق بشر... ۱۳	
۲.۱. رویکردها نسبت به کیفیت الحاق ایران به کنوانسیون‌ها..... ۱۷	
۳.۱. بایسته‌های الحاق ایران به کنوانسیون‌های بین‌المللی و ظرفیت تکنیک‌های حقوقی.....	۲۰
۲. نحوه مواجهه شورای نگهبان با کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان ۲۶	
جمع‌بندی.....	۳۱
منابع برای مطالعه بیشتر.....	۳۲

چکیده

به دلیل تفاوت نظری گفتمان حقوق بشر معاصر و گفتمان حقوق بشر در اسلام، مواجهه جمهوری اسلامی ایران با نظام بین‌الملل حقوق بشر مشابه دیگر کشورها نیست و دارای پیچیدگی‌هایی از جمله در الحاق به اسناد بین‌المللی است. رویه همیشگی شورای نگهبان در الحاق به معاهدات حقوق بشری همواره همراه با درج یک حق شرط کلی به آنها از جمله در مواردی مانند کنوانسیون حقوق کودک بوده است. اما مواجهه ایران با کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان متفاوت بوده است. شورای نگهبان حتی با درج حق شرط کلی، جواز الحاق به این کنوانسیون را نمی‌دهد. حال مسئله اصلی اینجا است که اولاً مواجهه جمهوری اسلامی ایران با نظام بین‌الملل حقوق بشر چگونه باید باشد و ثانیاً جمهوری اسلامی از جمله شورای نگهبان در خصوص مسئله خاص زنان و همچنین الحاق به کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان چگونه عمل کرده است. دستاورد این تلاش علمی عبارت است از اینکه اولاً با علم به اینکه از حقوق بشر در دنیا استفاده ابزاری می‌شود، جمهوری اسلامی باید مبتنی بر رویکرد الحاق حداکثری فعالانه، مواضع خود را با قرائت اسلامی از حقوق بشر در دنیا عرضه کند و حق شرط‌های شفاف و مشخصی را در کنوانسیون‌ها مبتنی بر تفسیر اسلامی از حقوق و آزادی‌ها اعلام کند. ثانیاً در خصوص کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، اگرچه جنس این کنوانسیون با دیگر کنوانسیون‌های حقوق بشری متفاوت است و تصمیم بر عدم تأیید این کنوانسیون صحیح به نظر می‌رسد.

کلیدواژگان

حقوق بشر، حقوق زنان، کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، حق

شرط، شورای نگهبان.

مقدمه

حقوق بشر، حق‌هایی جهان‌شمول هستند که انسان‌ها فارغ از تابعیت خویش به یک کشور در هر نقطه جغرافیایی و همچنین فارغ از عرضیاتی همچون جنس، رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها صاحب آن هستند. جهت تضمین این حقوق، کشورها در قرن گذشته تلاش کردند که اولاً با اسناد بین‌المللی در بستر حقوق بین‌الملل بشر^۱ این حقوق را به شکل توافقی تعیین کنند و ثانیاً مکانیسم‌هایی برای تضمین اجرای آن توسط دولت‌ها پیش‌بینی کنند. بنابراین یکی از شاخصه‌های حقوق بشر، منشأ بین‌المللی آن است؛ به این معنا که این حقوق در سطح فراسرزمینی تعیین شده و تبدیل به عرف شده است و کشورها باید این حقوق را در قوانین داخلی خود نهادینه کنند. به تعبیری دیگر، پذیرش معاهدات بین‌المللی به نوعی ایجاد محدودیت در حاکمیت و اقتدار ملی کشورها است و از کشورها می‌خواهد که این اسناد را بر قوانین داخلی خود حاکم کنند.

این تعبیر از حقوق بشر، جمهوری اسلامی ایران و کشورهایی که با گفتمان حقوق بشر معاصر همسویی کامل ندارند، دارای چالش کرد. چراکه مراجع بین‌المللی همواره این مطالبه را دارند که همه کشورها به این معاهدات بپیوندند و آنها را در کشور خود بومی و نهادینه کنند.

حدود (۱۰) معاهده حقوق بشری در دنیا وجود دارد^۲ که در این میان، ایران به پنج معاهده از جمله میثاق حقوق مدنی سیاسی (۱۹۶۸-۱۹۷۵)، میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی (۱۹۶۸-۱۹۷۵)، معاهده بین‌المللی محو هرگونه اشکال تبعیض نژادی

1. International Human Rights Law

۲. از جمله می‌توان به میثاق حقوق مدنی سیاسی، میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون نسل‌کشی، کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان، معاهده بین‌المللی محو همه اشکال تبعیض نژادی، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، کنوانسیون ملل متحد علیه شکنجه، پیمان‌نامه حقوق کودک، کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌هایشان، کنوانسیون حقوق افراد معلول و کنوانسیون بین‌المللی حفاظت از همه افراد در برابر ناپدید شدن اجباری اشاره کرد.

(۱۹۶۷-۱۹۶۸)، کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۹۱-۱۹۹۴) و کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت (۲۰۰۹) به همراه پروتکل مربوط به کنوانسیون حقوق کودک (۲۰۰۷) پیوسته است. از این میان، سه سند حقوق بشری اخیر پس از انقلاب اسلامی در نظام حقوقی ایران اعتبار یافته و از رهگذر شورای نگهبان عبور کرده است.

به دلیل تفاوت‌های جهان‌بینی و مبانی نظری و مبنایی و برخی تعارضات هنجاری میان دو گفتمان حقوق بشر معاصر و گفتمان حقوق بشر در اسلام، مواجهه ارکان قانون‌گذاری کشور از جمله شورای نگهبان اهمیت دارد که چگونه هنجارهای حقوق بشر جهانی داخل در نظام حقوقی ایران شود. نظر شورای نگهبان در خصوص پیوستن ایران به یکی از معاهدات حقوق بشری پرحاشیه در موضوع حقوق زنان است که تضمین قانون اساسی و موازین اسلامی مانع از ورود آن به نظام حقوقی ایران شد.

اما پیش از آن، لازم است به رویه شورای نگهبان در خصوص پیوستن به معاهدات حقوق بشری اشاره مختصری کرد. شورای نگهبان در سه نظر متفاوت، پیوستن به کنوانسیون‌های حقوق بشری را مشروط به حق شرط کلی می‌کند؛ به این ترتیب که به طور کلی، مفاد سند بین‌المللی با شرع و قوانین داخلی مغایر نباشد. برای مثال، شورای نگهبان در خصوص لایحه اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک ایراد شرعی وارد می‌کند و نهایتاً قیدی به ماده واحده قانون مذکور زده می‌شود.^۱ همچنین در سال‌های بعدی دو سند دیگر داخلی از جمله لایحه اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت^۲ مصوب

۱. ماده واحده لایحه اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۳۷۲/۱۲/۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده واحده- کنوانسیون حقوق کودک مشتمل بر یک مقدمه و ۵۴ ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آن داده می‌شود مشروط بر آن که مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرار گیرد، از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعایه نباشد.»

۲. مجلس شورای اسلامی در خصوص کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت با پیش‌بینی تبصره (۲)

۱۳/۸/۱۳۸۷ مجلس شورای اسلامی و همچنین لایحه اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در خصوص فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان^۱ مصوب ۱۳۸۶/۸/۹ مجلس شورای اسلامی به همین صورت مورد حق شرط کلی قرار می‌گیرد.

اما در خصوص «لایحه الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» با وجود پیش‌بینی حق شرط مذکور در مصوبه مجلس، اما باز مورد ایراد شورای نگهبان قرار می‌گیرد و هیچ‌گاه برای تصویب بر اساس مصلحت، مورد اصرار نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای ارجاع به مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار نمی‌گیرد. بنابراین نام جمهوری اسلامی ایران در فهرست امضاکنندگان (نه تصویب‌کنندگان) کنوانسیون باقی می‌ماند.

مجلس شورای اسلامی در بند «الف» ماده واحده این لایحه بیان می‌کند: «الف- جمهوری اسلامی ایران مفاد کنوانسیون مذکور را در مواردی که با شرع مقدس اسلام مغایرت نداشته باشد، قابل اجرا می‌داند.» شورای نگهبان در نظر شماره ۳۹۷۲

ماده واحده به شرح زیر، از وارد شدن اشکال احتمالی شورای نگهبان پیش‌گیری می‌کند: «تبصره ۲- باتوجه به ماده (۴۶) کنوانسیون، جمهوری اسلامی ایران خود را ملتمز به رعایت آن دسته از مفاد کنوانسیون که مغایر با موازین حقوقی جاری خود باشد، نمی‌داند.»

۱. با تبصره (۲) ماده واحده لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در خصوص فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان نیز این مصوبه مورد ایراد شورای نگهبان قرار نمی‌گیرد: «تبصره ۲- ضمانت‌های جزایی که در ارتباط با جرائم مندرج در پروتکل در قوانین فعلی جمهوری اسلامی ایران منظور شده (از جمله مواد (۸۲) تا (۱۰۷)، (۱۱۰)، (۱۱۲)، (۱۲۱) تا (۱۲۶)، (۱۳۸)، (۶۲۱)، (۶۳۹)، (۶۴۰) و (۷۱۳) قانون مجازات اسلامی، بند (۴) اصل (۴۳) و جزء (ج) بند (۶) اصل (۲) قانون اساسی، مواد (۷۹)، (۱۷۱) و (۱۷۲) قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۶، مواد (۳)، (۴) و (۵) قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند مصوب ۱۳۷۲/۱۱/۲۴ و ماده (۱۶) قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۳/۱۲/۲۹) توسط دستگاه‌های مسئول اعمال می‌گردد و در مواردی که جهت تحقق اهداف پروتکل نیاز به پیش‌بینی مجازات‌های جدید یا تشدید مجازات‌های فعلی باشد، لایحه لازم با نظر قوه قضائیه تهیه و برای سیر مراحل تصویب ارائه خواهد شد.»

مورخ ۱۳۸۲/۵/۲۷ خود که نسبتاً در قیاس با دیگر نظرات این شورا در شکل و محتوا متمایز است، اعلام می‌کند: «علاوه بر اینکه موارد مغایر با شرع مقدس اسلام -مذکور در بند «الف» مصوبه- و مرجع تشخیص آن معین نشده تا نسبت به مصوبه از نظر انطباق با موازین شرع و قانون اساسی اظهار نظر گردد، با عنایت به اینکه موارد خلاف شرع و مغایرت با قانون اساسی کنوانسیون بسیار زیاد است، به طوری که شرط عدم قبول اجرای مفاد کنوانسیون در این موارد -چون با اهداف منظور این کنوانسیون سازگار نیست-، به حکم بند «۲» ماده (۲۸) کنوانسیون^۱ پذیرفته نیست و در نتیجه دولت جمهوری اسلامی ایران ملزم به پذیرش مفاد کنوانسیون در این موارد نیز می‌شود. فلذا تجویز الحاق دولت به این کنوانسیون خلاف ضروریات اسلام، مغایر با ضوابط مسلم اسلام و مغایر اصول متعدد قانون اساسی از جمله اصول ۲، ۳ (بندهای ۱ و ۵)، ۴، ۱۰، ۲۰، ۲۱، ۷۲، ۱۱۵ و ۱۵۳ قانون اساسی شناخته شد.»

ذیلاً نظر مجلس محترم را به دو نکته جلب می‌نمایم:

- ۱- فرازهایی از بیانات حضرت امام (ره) در خصوص تساوی حقوق زن و مرد و اقدامات رژیم طاغوت (در سال‌های ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲)
- «... دولت مذهب رسمی کشور را ملعبه خود قرار داده و در کنفرانس‌ها اجازه می‌دهد که گفته شود قدم‌هایی برای تساوی حقوق زن و مرد برداشته شده در صورتی که هر کس به تساوی حقوق زن در ارث و طلاق و مثل اینها که جزو احکام اسلام است، معتقد باشد و لغو نماید اسلام تکلیفش را تعیین کرده است ...
- ... کراراً در نطق‌های مبتذلشان تصریح به تساوی حقوق زن و مرد در تمام جهات سیاسی و اجتماعی کرده‌اند که لازمه‌اش تغییر احکامی از قرآن مجید است ...

۱. بند «۲» ماده (۲۸) کنوانسیون: «۲- حق شرط‌هایی که با هدف و منظور این کنوانسیون سازگار نباشد، پذیرفته نخواهد شد.»

... دستگاه جبار گمان کرد با زمزمه تساوی حقوق می تواند راهی برای پیشرفت مقاصد شوم خود که آن ضربه نهایی به اسلام است، باز کند ...

... یک حقایقی در کار است. شما آقایان در تقویم دو سال پیش از این یا سه سال پیش از این بهایی‌ها مراجعه کنید. در آنجا می‌نویسد: تساوی حقوق زن و مرد؛ رأی عبدالبها. آقایان هم از او تبعیت می‌کنند ...

... دستگاه جابره در نظر دارد تساوی حقوق زن و مرد را تصویب و اجرا کند؛ یعنی احکام ضروریه اسلام و قرآن کریم را زیر پا بگذارد ...

... تساوی حقوق من جمیع الجهات پایمال کردن چند تا حکم ضروری اسلام، نفی کردن چند تا حکم صریح قرآن است ...

... از سخط خدای تعالی بهراسید، اگر به واسطه سکوت شماها (علمای اسلام) به اسلام لطمه‌ای وارد آید نزد خدای تعالی و ملت مسلمان مسئول هستید: إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فَلِلْعَالِمِ أَنْ يُظْهَرَ عِلْمُهُ وَإِلَّا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ، (اگر بدعت ایجاد شود و عالم مخالفت نکند لعنت خدا بر او باد) از تساوی حقوق اظهار تنفر کنید ...»

۲- این مصوبه با حکم بعضی از ضروریات اسلام مانند ارث، قصاص، دیه، طلاق، شهادت، سن بلوغ، محرمی و نامحرمی، حجاب، تعدد زوجات و ... مغایرت دارد.»

به نظر می‌رسد که نظر شاخص مذکور را می‌توان با دو دسته چالش اصلی مواجه کرد:

آ. مواجهه جمهوری اسلامی ایران با نظام بین‌المللی حقوق بشر در سطح هنجارها در تجربه جمهوری اسلامی، دو رویکرد موافق و مخالف پیوستن به این اسناد قابل فرض است. رویکرد موافق عموماً که معتقد به همگرایی در عرصه بین‌الملل است. رویکرد مخالف یا استقلال‌خواهانه که چنانکه یکی از استنادات مغایرت مصوبات با

قانون اساسی، ناظر به اصل (۱۵۳) و بند «۵» اصل سوم در خصوص «جلوگیری از نفوذ اجانب» را قابل طرح می‌داند. اما مسئله اصلی اینجاست که رویکرد مطلوب جمهوری اسلامی در مواجهه با هنجارهای اسناد حقوق بشری چه باید باشد. با این توضیح که از میان دو رویکرد بالا، کدام رویکرد اولی است و آثار مثبت و منفی تمسک به هر کدام از دو رویکرد چیست و چگونه باید آثار منفی آنها را حذف یا تلطیف کرد.

ب. مواجهه شورای نگهبان در خصوص معاهده موضوع خاص زنان

به طور خاص در خصوص مفاد اسناد حقوق بشری و خصوصاً معاهده مورد مطالعه ناظر به حقوق زنان می‌توان ابهاماتی را مطرح کرد که اولاً با توجه به نوع تقابل ما با نظام بین‌الملل حقوق بشر، چه رویکرد را باید در مواجهه با الحاق به اسناد بین‌المللی حقوق بشر به کار ببندیم. ثانیاً در مسئله زنان، تفاوت نگاه دو گفتمان مذکور تا چه جایی اشتراک وجود دارد و تا چه میزان در مسئله زنان در سطح بین‌الملل می‌توان تعامل حقوقی داشت.

با توجه به مسائل اصلی و فرعی بیان‌شده، نکات مطرح‌شده در دو محور کلی تقدیم می‌گردد: در محور اول به نحوه مواجهه جمهوری اسلامی ایران با نظام بین‌الملل حقوق بشر در سطح هنجارها و اسناد حقوق بشری به طور کلی پرداخته خواهد شد. در محور دوم، به نکات مطرح‌شده در خصوص نظر شورای نگهبان در مورد این کنوانسیون بحث خواهد شد.

۱. نحوه مواجهه جمهوری اسلامی ایران با نظام بین المللی حقوق بشر در سطح هنجارها

به طور کلی نوع مواجهه جمهوری اسلامی با نظام بین الملل حقوق بشر از این حیث که هنجارها، ارزش‌ها و دستورات لازم‌الاجرای حقوقی بین المللی چگونه در نظام حقوقی ایران تبلور یابد، اهمیت دارد. به همین دلیل ابتدا در بخش اول، به بایسته‌های مواجهه جمهوری اسلامی با نظام بین المللی حقوق بشر پرداخته می‌شود. در بخش دوم، رویکردها به کیفیت الحاق ایران به کنوانسیون‌های بین المللی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. همچنین در بخش سوم، به بایسته‌های الحاق ایران به کنوانسیون‌های بین المللی و استفاده از ظرفیت تکنیک‌های حقوقی می‌پردازد.

۱.۱. بایسته‌های مواجهه جمهوری اسلامی با نظام بین المللی حقوق بشر

۱. حقوق بشر، برخاسته از نظام فکری غربی است و کنوانسیون‌ها نیز برآمده از خواست عمومی کشورها نیستند. به عبارتی دیگر، حقوق بشر امروز گفتمانی ذاتاً غربی است و توانسته است با این ابزار بر فرهنگ‌های مختلف جهان نفوذ کند. بنابراین سطح مواجهه نظام جمهوری اسلامی ایران باید تمدنی باشد. صرف پرداختن به هنجارهای حقوق بشری جزئی مثل تفاوت دیه زن و مرد و مانند آن مسئله اصلی نیستند و اختلافات در مبانی و ارزش‌ها است. بنابراین الحاق به کنوانسیون‌ها به مثابه ورود به زمین بازی تعریف‌شده‌ی نظام سلطه و نوعی انفعال است.

۲. با رویکردی سیاسی‌تر، کنوانسیون‌های بین المللی را می‌بایست در پارادایم نظم نوین جهانی نگریست. خصوصاً کنوانسیون‌هایی با موضوع زنان یا دموکراسی دقیقاً از مصادیقی هستند که قدرت‌های استکباری خالق مجامع بزرگ بین المللی بر بستر رسانه و پروپاگاندا آنها را ایجاد می‌کنند تا اهداف خود را که شامل سلطه بر کشورهای مختلف می‌شود، پیاده کنند. از این رو می‌بایست رویکرد صحیح را در مواجهه با این کنوانسیون‌ها و اهداف ورای آن اتخاذ نمود.

۳. با توجه به اصول اساسی انقلاب اسلامی اساساً جمهوری اسلامی در عرصه بین‌الملل طراحی شده به وسیله‌ی قدرت‌های سلطه‌گر ماهیتی غیرنرمال دارد و نظم بین‌المللی که مبتنی بر مصونیت و چیرگی کشورهای ظالم و مستکبر دنیا است، به چالش می‌کشد. در حالی که ایران خارج از این نظم بین‌المللی نیست و برای رسیدن به نقطه مطلوب در نظام بین‌المللی عادلانه لاجرم محکوم به بازیگری به عنوان یک عنصر عادی در عرصه بین‌الملل است تا با تصاحب قدرت سیاسی لازم به سوی هدف مطلوب حرکت کند.

۴. این نکته به عنوان پیش‌فرض مهم است که حقوق بشر معاصر که دارای مبنای تئوریک انسان‌محورانه و غیرالهی است، خود را با شیوه اجماع جهانی به نظام حقوقی کشورها تحمیل کرد. به این ترتیب که اسناد بین‌المللی با مشارکت کشورها تبدیل به هنجار شد و کشورها به آن عمل کردند و نهادهای نظارتی آن را مبنای کنترل خود قرار دادند. اقدام هوشمندانه تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر قاهره که واکنش کشورهای اسلامی در مقابل گفتمان حقوق بشر معاصر بود، با تمام ضعف‌هایش ابتکار بزرگ و الگوی مورد توجهی برای نوع مواجهه کشورهای اسلامی با نظام بین‌الملل حقوق بشر در آینده خواهد بود. هر چند باید توجه داشت که یک کشور برای تاثیرگذاری در عرصه‌ی بین‌الملل نیازمند همراه کردن کشورهای دیگر است و اقتضای مقاومت و ایستادگی، دعوت دیگران به همراهی و تشکیل بلوک کشورهای اسلامی است.

۵. هر چند که بازیگری در نظام بین‌الملل حقوق بشر دائرمدار اراده دولت‌ها است، همچنانکه دولت‌ها حتی می‌توانند از پیوستن به معاهدات حقوق بشری خودداری کنند، اما باید دانست که چهارچوب‌های دارای تصلب حقوقی تنها بخشی از ابزارهای نظام بین‌الملل حقوق بشر محسوب می‌شود و بخش قابل توجه دیگر، چهارچوب‌های حقوق نرم است که از ابزارهای دیگری برای تحمیل اراده به دولت‌ها

استفاده می‌شود. استفاده از گفتمان منسجم و قوی در زمینه حقوق بشر، آموزش و نهادینه‌سازی حقوق بشر در فرهنگ کشورها، فشارهای رسانه‌ای و تبلیغاتی و تعیین گزارشگران ویژه موضوعی و کشوری از جمله این سازکارها هستند که دولت‌ها را وادار به تعامل حداکثری با نظام بین‌الملل حقوق بشر کند. چنانکه ایران سال‌ها است که تحت فشار رسانه‌ای و موضوع سازکارهای سیاسی متعدد به دلایل سیاسی و دشمن‌تراشی‌های غرب است.

۶. یکی از ضروری‌ترین اقدامات در مواجهه با نظام بین‌المللی، ترسیم اطلس حقوق بشری در عرصه بین‌الملل است. در سیاست‌گذاری باید مشخص باشد که چه فرصت‌هایی پیش روی ایران قرار دارد و تهدیدات و مسائل پیش رو کدام است. بر مبنای ترسیم موقعیت دقیق گفتمان اسلامی در برابر دیدگاه‌های همسو یا متقابل می‌توان تصمیم درست را در موقعیت درست اخذ نمود و اقدام مقتضی را انجام داد.

۷. رویکرد قانون اساسی ایران در خصوص مواجهه جمهوری اسلامی ایران با نظام بین‌الملل حقوق بشر بسیار مترقی است و وضعیت فعلی ایران فاصله زیادی با آن باور اساسی دارد. به عبارتی دیگر، عمده نقایص وضعیت فعلی ایران در سطح رویکردی است. تبعاً در سطح تاکتیکی و عملیاتی نیز این نواقص خود را به نمایش می‌گذارد و تا اصلاح در رویکردها صورت نگیرد، زحمات مجریان ابر است. اگر رویکردها اصلاح شود، سازکارها و حق‌ها و شیوه‌های اجرا هم تغییر می‌کند.

نگاه قانون اساسی ایران به حقوق بشر قابل تأمل است: مقدمه به عنوان بیان بستر فهم و سیاق قانون اساسی، مطالب مرتبگی با موضوع حقوق بشر دارد. در بخشی به تداوم انقلاب در داخل و خارج از کشور و پیروزی مستضعفین بر مستکبرین و نهایتاً تشکیل امت واحد جهانی تأکید می‌کند.^۱ در بخش دیگری از مقدمه، به مشارکت

۱. مقدمه قانون اساسی ذیل عنوان «شیوه حکومت در اسلام:» «قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه تداوم این انقلاب را در

همه در مسیر تکامل انسان برای تحقق حکومت مستضعفین اشاره دارد.^۱ مقدمه قانون اساسی در خصوص حقوق زن به دنبال استیفای حقوقی از زنان است که تا به حال این حقوق را نداشته‌اند و بعد از آن بر خانواده تأکید می‌کند.^۲ در ادامه، اصل (۱۱) بر وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام تأکید می‌کند.^۳ وحدت فرهنگی دارای ظرفیت‌های ویژه مغفولی است که مستقیماً به موضوع حقوق بشر توجه دارد. اصل دیگر، اصل (۱۵۴) است که نسخه ایجابی و رو به جلوی جمهوری اسلامی است.^۴ حتی طبق قانون اساسی و آموزه‌های انقلاب، تشکیل امت واحده اسلامی هدف نهایی نیست. تشکیل حکومت جهانی هدف است و حکومت امام عصر (عج) صرفاً برای بخشی از جهان نیست. این منظومه‌ای از رویکرد قانون اساسی به تکالیف ما در زمینه حقوق بشر است.

داخل و خارج کشور فراهم می‌کند؛ به ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند.»

۱. مقدمه قانون اساسی ذیل عنوان «شیوه حکومت در اسلام: «قانون اساسی زمینه چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می‌سازد تا در مسیر تکامل انسان، هر فردی خود دست‌اندرکار و مسئول رشد و ارتقا و رهبری گردد که این همان تحقق حکومت مستضعفین در زمین خواهد بود.»

۲. مقدمه قانون اساسی ذیل عنوان «زن در قانون اساسی»: «در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استعمار همه‌جانبه خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند، استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود.»

۳. اصل (۱۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «به حکم آیه کریمه: (إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ)، همه مسلمانان یک اُمتند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه اتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.»

۴. اصل (۱۵۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.»

به عبارتی دیگر، رویکرد قانون اساسی در زمینه حقوق بشر دارای دو بال استقلال سیاسی و فرهنگی (اصل دوم) و رویکرد فعالانه و جهانی در زمینه سعادت حقوق بشر (اصل ۱۵۴) است. یعنی در عین اینکه گفتمان حقوق بشر معاصر را نسخه حقیقی سعادت بشر نمی‌داند، خود را در جهان منزوی نمی‌کند، معتقد به تشکیل دهکده‌ای مجزا، مستقل و رها از اتفاقات عالم نیست و تلاش می‌کند با اقدامات فعالانه، نسخه بدیل حقوق بشر را به دنیا عرضه کند. نبود هر یک از این دو بال، پرواز در آسمان تعاملات بین‌المللی خصوصاً در زمینه حقوق بشر را غیرممکن می‌کند. نبود بال استقلال سیاسی و فرهنگی، ایران را به کشوری تابع مشابه نظام شاهنشاهی پیش از انقلاب تبدیل می‌کند و نبود بال رویکرد فعالانه، وضعیتی را رقم می‌زند که ایران در نظم نوین جهانی، تنها، منزوی و ضعیف باشد و به عنوان نمونه، در خصوص حقوق بشر مدام متهم به کشوری دارای نقض سیستماتیک حقوق بشر در جهان معرفی گردد. بنابراین اقتضا و مکمل استقلال، اقدامات فعالانه بیشتر و رویکرد تهاجمی‌تر است. ایران راهی جز این ندارد که در گام اول، اصل یازدهم قانون اساسی را از متروک بودن خارج کند و امت واحده اسلامی و اتحاد کشورهای اسلامی را در جهان احیا کند و تاریخ درخشان دهه ۷۰ در همگرایی کشورهای اسلامی، تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی و تصویب سند اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره را بازاحیا کند. بنابراین راه مواجهه با نظام بین‌المللی حقوق بشر از طریق همگرایی میان کشورهای مسلمان در میان‌مدت و همگرایی با تفکر دین‌مدار (اعم از اسلامی و مسیحی) به صورت بلندمدت است.

۲.۱. رویکردها نسبت به کیفیت الحاق ایران به کنوانسیون‌ها

مواجهه جمهوری اسلامی ایران با نظام بین‌المللی حقوق بشر با توجه به نوع نظام حقوقی الهی خود و تفاوت‌هایی که با ارزش‌ها و هنجارهای عرفی نظام بین‌الملل حقوق بشر دارد، در چهار رویکرد قابل تصور است:

۸. رویکرد نخست (الحاق اجباری حداکثری): هر چه در گذر زمان به جلو می‌رویم، چالش‌های ارتباط جمهوری اسلامی ایران در رابطه با پیوستن یا نپیوستن به کنوانسیون‌های حقوق بشری و نیز عواقب نپیوستن به این اسناد بر ارتباطات بین‌المللی و نیز به تبع آن آثار منفی بر اقتصاد و فرهنگ داخلی بیشتر و محسوس‌تر می‌گردد. به طوری که شرایط امروز جامعه ما با دهه‌های قبل متفاوت است و اتفاقات منفی حقوق بشری بر جامعه ما خصوصاً در مسائل اقتصادی تأثیر می‌گذارد.

۹. رویکرد دوم (عدم الحاق مطلق): نگاه جمهوری اسلامی به اسناد حقوق بشری که متأثر از اندیشه غربی و ابزار استکبار جهانی برای تغییر ارزش‌ها و فرهنگ‌ها در جوامع غیر غربی است، باید بدبینانه باشد. چون نظام حقوقی ما وحی‌محور است و سر آشتی با گفتمان غربی ندارد. اخذ موضع انفعالی پیوستن به کنوانسیون‌های غربی و نامتناسب با مبانی و احکام اسلامی، ولو آنکه مغایرت صریح نیز در قالب حق شرط وارد بشود، در هر صورت در جهت تقویت گفتمان حقوق بشر معاصر است. برای مثال، تعاریفی که از زن و توانمندی آنان یا رشد کودک مبنا قرار می‌گیرد، مبتنی بر تعاریف غربی و آموزه‌های سازمان یونسکو است. توضیح اینکه عبارات کلی و تهی با مبنای اومانیستی و فردگرایی را با قالب زیبای حقوق بشر به کشورها تحمیل می‌کنند. این عبارات کلی و مبهم در اسناد حقوق بشری خودش را در اجرا و تفاسیر اجرایی نشان می‌دهد. برای مثال، امروز کمیته حقوق کودک در بحث تبعیض در این کنوانسیون از جمهوری اسلامی، مطالبه حقوق همجنس‌بازان را دارد.^۱

۱. جمهوری اسلامی ایران که موظف است به دلیل الحاق به کنوانسیون حقوق کودک، هر چند سال یک بار، گزارش پیشرفت خود را در موضوع کنوانسیون به کمیته جهانی حقوق کودک ارائه بدهد، همواره در خصوص حمایت از حقوق اقلیت‌های جنسی کودک مورد سؤال قرار می‌گیرد. برای نمونه می‌توان به گزارش بررسی دوره‌ای ایران در کمیته حقوق کودک در سال ۲۰۱۶ اشاره کرد که نمایندگان جمهوری اسلامی ایران مستقیماً مورد سؤال قرار می‌گیرند. برای مطالعه بیشتر، رجوع کنید به:

۱۰. هزینه پیوستن ایران به کنوانسیون‌های بین‌المللی بیش از نبودن به آنها است. وقتی ایران به یک معاهده پیوست و به دلیل تفاوت در مبانی، آن را اجرا نکرد، موجب یک فشار سیاسی است که به دست خودش ایجاد شده است. به عبارتی دیگر، اگر نبودن به یک سند یک میزان فشار سیاسی بر ما وارد کند، پیوستن به آنها و عدم پیش‌بینی آنها در قوانین داخلی و عدم اجرای آنها، فشار سیاسی را دو برابر می‌کند.
۱۱. **رویکرد سوم (الحاق‌گزینشی):** در خصوص الحاق جمهوری اسلامی به اسناد حقوق بشری باید هوشمندانه عمل کرد و به اسنادی مثل کنوانسیون زنان نیوست. چرا که پذیرش این اسناد، راه دخالت و ورود نهادهای نظارتی بین‌المللی را بیشتر باز می‌کند و وضعیت سیاسی فرهنگی ایران را دچار چالش می‌کند. اما در عین حال در خصوص موضوعات حقوق بشر می‌بایست تفکیک و طبقه‌بندی مشخصی صورت گیرد. می‌بایست مشخص باشد که هر دسته از حقوق مندرج در کنوانسیون‌های بین‌المللی در منظومه حقوقی اسلام چه جایگاهی دارد. کدام مورد از موارد مسلم و کدام مورد از موارد تشکیکی است. در مورد کدام موارد می‌توان با فقه پویا و تطبیق شرایط آن را پذیرفت و در مورد کدام موارد می‌بایست تحفظ داشت و انعطاف نشان نداد. به این ترتیب، به صورت گزینشی به برخی اسناد بپیوندد و از پذیرش دیگر اسناد پرهیز کند. برای نمونه، ایران باید در موضوعات متعددی مثل محیط زیست، حمایت از مهاجران و مانند آن که با دنیا هم‌دل است، همراهی موثر و فعالانه داشته باشد تا مواردی را که نمی‌تواند با دنیا همراه باشد، جبران کند تا ایران به عنوان یک کشور ناقص مطلق حقوق بشر شناخته نشود.
۱۲. **رویکرد چهارم (الحاق و تعامل حداکثری با موضع فعالانه):** رویکرد چهارم، مکمل رویکرد اول و سوم است؛ با این تفاوت که بر فعالانه بودن و عدم تواضع در اعلام مواضع تأکید دارد. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران باید به اسناد و کنوانسیون‌های حقوق بشری بپیوندد. چرا که عدم پذیرش این اسناد، به معنای رویکرد انفعالی در قبال آنها است و حال آنکه در هیچ یک از کنوانسیون‌های موجود، تعارض نظری ما با

حقوق بشر معاصر، کلی نیست. به عنوان نمونه، در موضوعات مختلف مثل حقوق زنان، کودکان، منع اشکال تبعیض نژادی و مانند آن، بر اصل آن تعارضی موجود نیست و تعارضات در جزئیات آن است. بنابراین ایران می‌تواند به این کنوانسیون‌ها بپیوندد و نظرات متفاوت خود را در قالب‌های متعدد حقوقی مانند رزرویشن (حق شرط) به طور صریح و به دور از تعارف، بیان کند. هیچ کدام از کنوانسیون‌ها که تا به امروز به عنوان کنوانسیون‌های حقوق بشری شناخته می‌شود، به طور کلی در مقابل آموزه‌های الهی نیست. چنانچه اگر روزی کنوانسیون‌هایی در حمایت از حقوق همجنس‌بازان یا لغو مطلق مجازات اعدام و مانند اینها مطرح شود، ایران به طور کلی مخالفت می‌کند. این رویکرد اولاً مبتنی بر این باور است که ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی جهان‌شمول و عقلانی است و ثانیاً می‌تواند در دنیای بدون رقیبی که برای گفتمان حقوق بشر معاصر ترسیم شده است، گفتمان جایگزینی ارائه کند و بتواند کشورهای غیر همسو با گفتمان غربی را به خود نزدیک کند. این در حالی است که عدم پذیرش این اسناد، ایران را دچار انزوا در جامعه جهانی خواهد نمود.

رویکردهای بیان شده هر یک دارای نقاط قوت و ضعفی است که باید در طراحی نظام مطلوب مورد توجه قرار گیرد. برای نمونه رویکرد اول موجب عدول از ارزش‌های دینی می‌گردد و رویکرد دوم ایران را در جامعه جهانی منزوی می‌سازد و رویکرد چهارم موجب چشم‌پوشی بر برخی از احکام مسلم شرعی می‌گردد چرا که در بسیاری از معاهدات حقوق بشری یا حق شرط پذیرفته نیست و یا حق شرط‌های طرح شده توسط جمهوری اسلامی ایران به منزله‌ی شرط‌های مغایر با هدف و فلسفه‌ی معاهدات محسوب می‌گردد.

۳.۱. بایسته‌های الحاق ایران به کنوانسیون‌های بین‌المللی و ظرفیت تکنیک‌های حقوقی

۱۳. در خصوص الحاق ایران به اسناد بین‌المللی حقوق بشری مبتنی بر رویکردهای مذکور، یک نگاه این است که مطلقاً در موارد خلاف شرع نباید به هیچ کنوانسیون‌

حتی بنا بر ضرورت و مصلحت پیوست. اگرچه در باب روابط فراسرزمینی، مصالحه موقت بر برخی اصول ممکن بوده و پیامبر معظم اسلام (ص) نمونه آن را در صلح حدیبیه حتی در قالب حذف نام خود با عنوان «پیامبر» در توافقتنامه عملی کرد، اما چنین مماشاتی در درون جامعه اسلامی هرگز به چشم نخورده و موازین اسلامی همواره به عنوان اصول لایتغیر باقی مانده است. از این رو باید در مواجهه با نظام بین الملل باید این مسئله را در نظر گرفت که مباحث حقوق بشری که می خواهد مناسبات داخلی و فرهنگی ما را دچار تغییر کند، قابل مذاکره نیست. توضیح اینکه ضمن توجه و تأکید بر رعایت معاهدات بین المللی و توجه به آنها در مواردی که مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته و یا با موازین اسلامی در تنافی نیست، اما مسئله مهم آن است که باید بر موازین و اصول اسلامی خود راجع به حقوق بشر و به خصوص حقوق زنان پایبند بود و بر خطوط قرمز هویتی و نظام حقوق بشر اسلامی پای فشاری کرد. زیرا فراموش کردن این اصول و پذیرش مبانی نادرست حقوق بشر غربی پایانی ندارد و نهایتاً منجر به استحاله هویتی و به محاق رفتن نظام حقوق بشر مبتنی بر تعالیم اسلامی می گردد. به عبارتی نمی توان به بهانه مصلحت اندیشی از برخی خطوط قرمز کناره گیری کرد، بلکه باید در قبال برخی موارد به صورت شفاف مرزبندی کرد.

۱۴. یکی از لوازم مواجهه ایران با گفتمان حقوق بشر معاصر، گفتمان سازی و تأکید بر دال های گفتمانی حقوق بشر اسلامی است که توان گفتگو و تعامل بین فرهنگ های مختلف و همچنین بسیج کنندگی تمام ظرفیت های موجود را دارد. به عنوان نمونه می توان به دال های گفتمانی همچون خانواده واقعی^۱ تأکید کرد. به این معنا که به جای موضع انفعالی در رد یا پذیرش گفتمان حقوق بشر معاصر، ضروری است که گفتمانی ایجابی را به دنیا عرضه کنیم.

۱۵. جمهوری اسلامی به جای انفعال در پیوستن به چنین کنوانسیون‌هایی می‌تواند زمین بازی را خود تعریف نموده و همان‌طور که در مورد منشور حقوق بشر اسلامی در مصر اتفاق افتاد، کشورهای اسلامی را دعوت به هم‌اندیشی، تنظیم و نهایتاً تصویب معاهداتی در مورد حقوق زنان و سایر عرصه‌های حقوق بشری مبتنی بر موازین اسلامی نماید و الگوی مطلوبی از حقوق بشر اسلامی را ارائه کند. دیپلماسی کشور و وزارت امور خارجه باید به صورت فعال در صحنه بین‌المللی از مواضع جمهوری اسلامی ایران دفاع کنند و از سوی دیگر لازم است تا کنفرانس‌هایی بین‌المللی به منظور ادامه راه گذشته در سطح بین‌المللی برگزار شوند.

۱۶. جمهوری اسلامی باید بتواند در هنجارسازی‌های بین‌المللی به صورت موردی مشارکت و ابتکار به خرج دهد. به عنوان مثال، هر ساله جلسات متعددی در شورای حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل تشکیل می‌شود. ایران می‌تواند مبتکر بسیاری از قطعنامه‌های هنجاری و محتوایی قرار بگیرد و در تعیین اولویت‌ها مشارکت کند. همچنین می‌تواند در برابر هنجارها و مصوباتی که با آنها هم‌مدلی وجود ندارد، استدلال‌ات و مواضع را به عنوان مواضع رقیب با قرائت غربی از حقوق بشر بیان کرد. این رویکرد فعالانه می‌تواند زمینه‌ساز همگرایی کشورهای اسلامی شود. در کنار آن، باید گفتگوها و دیپلماسی حقوق بشر میان کشورهای اسلامی به جریان بیفتد و بر مشترکات استراتژیک تأکید کرد. بدون شک، پشتوانه این قبیل اقدامات در عرصه خارجی، پشتوانه‌های نظری و علمی در محافل علمی حوزوی و دانشگاهی است.

۱۷. تبیین و ترویج دستاوردهای حقوق بشری جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌المللی به نحو مطلوبی چندان مورد توجه نبوده است. از جمله این موارد حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. در طول هشت سال دفاع مقدس جلوه‌های بسیاری از پایداری جمهوری اسلامی به اصول این حقوق به نمایش درآمده است. اصولی که کماکان توسط برخی کشورها مثل رژیم صهیونیستی یا ایالات متحده به صورت واضح نقض

می‌شود. مضاف بر این موارد می‌توان به ظرفیت‌هایی از جمله حقوق اقلیت‌ها، حقوق اسرا و زندانیان اشاره کرد که از پیش در شریعت اسلامی و همسو با حقوق بشر رایج امروزی وجود داشته و متأسفانه در ابلاغ این آموزه‌ها اهتمام لازم نشده است.

۱۸. با توجه به اینکه در دکترین حقوق بین‌الملل در خصوص معاهدات حقوق بشری اختلاف نظر وجود دارد که آیا حق شرط از سوی کشورها به دلیل تفاوت ماهوی معاهدات حقوق بشری و بین‌الملل عمومی، قابل پذیرش است یا نه، با رجوع به ماده ۱۹ «کنوانسیون وین در خصوص حقوق معاهدات»^۱ می‌توان از اطلاق آن برداشت کرد که حق شرط با وجود شرایطی ممکن است و رویه عملی کشورهای مختلف در گذاردن حق شرط برای پیوستن به این قبیل کنوانسیون‌ها مانند کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان نشان می‌دهد که امکان درج حق شرط در کنوانسیون‌های حقوق بشری در رویه حقوق بین‌الملل هم پذیرفته شده است. هر چند معمولاً نوع حق شرط‌های بیان شده توسط جمهوری اسلامی که ناظر بر رعایت موازین اسلامی نسبت به همهی مفاد معاهده است به منزله‌ی شروط مغایر با موازین شرع و قانون اساسی فرض می‌شود.

۱۹. بر اساس الزامات حقوق بین‌الملل و ضوابطی که در «کنوانسیون وین در خصوص حقوق معاهدات» آمده است، لازمه درج حق شرط در اسناد حقوق بشری این است که شرط‌ها کلی نباشند. باید دقیقاً مشخص باشد که چه ماده‌ای از کنوانسیون با چه

۱. ماده (۱۹) کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات: «ماده ۱۹- تنظیم تحدید تعهد یک کشور هنگام امضا، تنفیذ، قبولی، تصویب یا الحاق به یک معاهده می‌تواند تعهد خود نسبت به آن معاهده را محدود کند، مگر در صورتی که:

الف. معاهده تحدید تعهد را ممنوع کرده باشد؛

ب. معاهده مقرر کرده باشد که تحدید تعهد فقط در موارد خاص که شامل تعهد مورد بحث نیست، مجاز است؛

ج. در غیر موارد مضمول بندهای «الف» و «ب»، وقتی که تحدید تعهد با هدف و منظور معاهده مغایرت داشته باشد».

قسمتی از شرع مغایرت دارد. مصر در سال ۱۹۸۱ به این کنوانسیون پیوسته است و نسبت به مواد ۲، ۹، ۱۶ و ۲۹ کنوانسیون حق شرط گذشته و برخی از این مواد را با شریعت اسلام در تعارض دیده است که مدل خوبی برای الگوبرداری است.

۲۰. ضرورت مشخص بودن حق شرطها، به جز مغایرت با ضوابط حقوق بین‌الملل، پیامدهایی است که عملاً در نظام حقوقی ایران به وجود آورده است. به عنوان نمونه، در مواجهه با کنوانسیون حقوق کودک، اگر مواد مورد ایراد جمهوری اسلامی توسط شورای نگهبان صریحاً مورد حق شرط قرار می‌گرفت، هم از یک طرف اعتراض مراجع بین‌المللی و کشورهای دیگر نسبت به کلی بودن حق شرط را در پی نداشت، هم از طرف دیگر، در داخل کشور با یک قانون مبهم و کلی مواجه نبودیم. اثر ابهام حق شرط این شده است که مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک و سازمان بهزیستی، به عنوان مثال، بند «۱» ماده (۱۳) کنوانسیون^۱ در مورد آزادی کودک در دسترسی به هرگونه اطلاعات و نشر آن را خلاف شرع نمی‌داند و علی‌رغم اینکه شورا در مرحله اول به آن ایراد شرعی گرفته است، عملاً از طریق آیین‌نامه اجرایی این معاهده اجرا می‌شود.

برخی قوانین، پس از وارد آوردن حق شرط بر کنوانسیون‌ها دچار ابهام و اختلال می‌شود. مثلاً برخی مواد قانون مجازات به واسطه حق شرط مندرج در تبصره (۲) ماده واحده پروتکل الحاقی کنوانسیون فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان، دچار تغییر می‌شود. همچنین ماده ۱۳ سند ملی حقوق کودک و نوجوان مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی تصریح کرده است که معاهدات مربوط به کودک در راستای این سند اجرا باید بشود و موارد مخالف آن اجرا نشود.^۲ لذا اگر شورای عالی چنین

۱. بند «۱» ماده (۱۳) کنوانسیون حقوق کودک: «۱- کودک دارای حق آزادی ابراز عقیده می‌باشد. این حق شامل آزادی جستجو، دریافت و رساندن اطلاعات و عقاید از هر نوع، بدون توجه به مرزها، کتبی یا شفاهی یا چاپ‌شده به شکل آثار هنری یا از طریق هر رسانه دیگر به انتخاب کودک می‌باشد».

۲. بند «ب» ماده (۱۳) سند ملی حقوق کودک و نوجوان مصوب ۱۳۹۷/۱/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی: «ب) این سند مبنای معرفی و تبیین جایگاه کودکان و نوجوانان در نظام جمهوری اسلامی ایران در مجامع

حقی داشته است، مجلس باید در مصوبه خود به چنین مصوباتی اشاره کند یا اگر وجود ندارند، عبارات را به نحوی بیاورد که شامل مصوبات آینده هم بشود.

۲۱. یکی از نکاتی که در رویکرد چهارم در خصوص اقدامات فعالانه رسمی در تعاملات با مراجع بین المللی بیان شد، آن بود که جمهوری اسلامی باید موضع رسمی خود را در مواردی که با دنیا هم‌مدل است، به صراحت و بزرگ‌نمایی معقول بیان کند و ثانیاً در مواردی مثل حمایت از همجنس‌بازی موضع صریح خود را اعلام کند تا بتوان موضع مقابل را گفتمان‌سازی کرد. با این مبنا قانون‌گذار باید از درج حق شرط کلی بپرهیزد و اگر عقیده دارد که موادی از کنوانسیون‌های حقوق بشری مغایر شرع و قانون اساسی است، تصریح نماید که دقیقاً کدام ماده مغایر است و نسبت به آن تعیین حق شرط نماید.

۲۲. ابزار حقوقی دیگر که به جای اعمال حق شرط می‌تواند هنگام الحاق ایران به کنوانسیون‌های حقوق بشری مورد استفاده قرار گیرد، اعلامیه تفسیر توسط دولت ملحق‌شده به کنوانسیون پس از تصویب آن است بر این اساس دولت می‌تواند ناظر به نظرات شورای نگهبان اعلامیه تفسیری بدهد تا با اعتراض مبهم و کلی بودن حق شرط مواجه نشود.

۲۳. یکی از مشکلات اساسی در عرصه مواجهه با نظام بین الملل حقوق بشر، نامشخص بودن نهادهای مسئول در داخل نظام حقوقی ایران است. کثرت مراجع و تنوع یا حتی تعارض برداشت میان آنها، پیگیری راهبرد واحد و مشخص در مواجهه ایران با اسناد حقوق بشری را دشوار می‌نماید. دستگاه‌هایی مانند وزارت خارجه، وزارت اطلاعات، شورای عالی امنیت ملی، ستاد حقوق بشر و مانند اینها دستگاه‌های متولی مستقیم در موضوع حقوق بشر هستند. ضرورت وجود یک نگاه کلان و سیاست

بین‌المللی قرار می‌گیرد و از تاریخ تصویب، مفاد مرتبط با کودکان و نوجوانان در معاهدات بین‌المللی در راستای این سند قابل اجرا است و قوانین و برنامه‌های مغایر نیز باید اصلاح شود.»

حقوقی در زمینه حقوق بشر ضروری است تا مشخص شود نهاد متولی اصلی در ترسیم و تعیین مواجهه جمهوری اسلامی با حقوق بشر کدام دستگاه است، دامنه صلاحیت‌های وی چیست، معیارها و ابزارها و اختیارات وی چیست و در کنار آن، چه نهادهایی به او کمک می‌کنند و نحوه کمک و قلمروی ورود هر کدام به چه میزان است. به نظر می‌رسد در گام اول، مقام معظم رهبری می‌تواند راهبردهای اصلی در مواجهه با مقوله حقوق بشر را در قالب سیاست‌های کلی موضوع بند «۱» اصل (۱۱۰) قانون اساسی تعیین نماید و در ادامه، نسبت هر کدام از نهادهای مسئول متناسب با سیاست‌ها مشخص گردد. به نحوی که چنانچه برای چالش حقوق بشر نوعی چالش امنیتی وجود دارد، دستگاه‌های مربوط متولی اصلی آن باشند و چنانچه موضوع باید از طریقی فرهنگی پیش برود و نگاه امنیتی پشتیبان نگاه فرهنگی باشد، دستگاه‌های مربوط فرهنگی مسئولیت آن را بر عهده بگیرند.

۲۴. تشکیل و وابستگی ستاد حقوق بشر به شورای عالی امنیت ملی از دو جهت قابل تفسیر است: یک برداشت آن است که ستاد زیرمجموعه این شورای عالی است و رویکرد امنیتی بر آن حاکم است و به دلیل خصوصیت امنیتی این موضوع، ستاد حقوق بشر تشکیل شده است. برداشت دوم آن است که به لحاظ ماهیت موضوع حقوق بشر که علی‌الاصول موضوعی ماهیتاً فرهنگی است، ستاد حقوق بشر تشکیل شد و این موضوع از این شورای عالی منفک شد تا با امنیت‌زدایی و رویکردی مبتنی بر راهبری فرهنگی اجتماعی، موضوع حقوق بشر مورد توجه نظام قرار گیرد. آنچه امروز جاری است، رویکرد اول است که می‌توان ستاد حقوق بشر را با رویکرد دوم بازتعریف کرد.

۲. نحوه مواجهه شورای نگهبان با کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان

۲۵. ممکن است برخی این باور را داشته باشند که کنوانسیون زنان شباهت زیادی با کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۳۷۲/۱۲/۰۱ دارد؛ به این معنا که اصل و اساس

موضوع، محل ایراد نیست و از طرف دیگر با یک حق شرط کلی می توان جزئیات خلاف شرع آن را جبران کرد. اما باید پذیرفت که موضوع زنان از آن دسته موضوعاتی است که در خصوص آن، نه می شود با دنیا تعامل کرد و باید موضع شفاف گرفته شود و نه می شود در مورد آن حق شرط گذاشت. چرا که برخی کنوانسیون ها مثل کنوانسیون مورد بحث این ظرفیت را ندارد. به عنوان نمونه، بند آخر مقدمه کنوانسیون به جابه جایی نقش زن و مرد در خانواده اهمیت می دهد^۱ که طبیعتاً مغایرت جدی با ضروریات اسلام دارد. شورای نگهبان نیز با علم به این تفاوت، این مصوبه را رد کرده و در نظر خود صراحتاً استدلال کرده است: «با عنایت به اینکه موارد خلاف شرع و مغایرت با قانون اساسی کنوانسیون بسیار زیاد است، به طوری که شرط عدم قبول اجرای مفاد کنوانسیون در این موارد، چون با اهداف منظور این کنوانسیون سازگار نیست، به حکم بند «۲» ماده (۲۸) کنوانسیون پذیرفته نیست و در نتیجه دولت جمهوری اسلامی ایران ملزم به پذیرش مفاد کنوانسیون در این موارد نیز می شود...»؛ بنابراین شورای نگهبان معتقد نیست که دو کنوانسیون مشابه هم بودند و میزان قرابت گفتمانی غرب و اسلام در موضوع زنان ناچیز است. نظر شورای نگهبان که بر نقض ضروریات اسلامی تأکید دارد، از جمله نظرات درستی است که مبتنی بر درک اهداف پشت پرده تصویب این قبیل کنوانسیون ها است.

۲۶. معاهده مورد بحث از یک جهت با سایر معاهدات متفاوت است و تفاوت در اطلاق انگاری آن است. گفتنی است در معاهداتی همچون میثاقین و سایر معاهدات همواره با توجه به اقتضائات نظم عمومی و فرهنگی قیود و استثنائاتی پیش بینی شده است؛ اما در مواد این معاهده هیچ لفظی که حاوی بیان استثنائات و رعایت اقتضائاتی مانند نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد، وجود ندارد.

۱. بخشی از مقدمه کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان: «با اطلاع از اینکه تغییر در نقش سستی مردان و زنان در جامعه و خانواده برای دستیابی به مساوات کامل میان زنان و مردان ضروری است، ...»

۲۷. نظر شورای نگهبان از دو جهت قابل دفاع است: یک، از این جهت که در صورت تصویب این معاهده با حق شرط کلی، تردیدی در اعتراضات سایر کشورها به این حق شرط وجود نداشته و ظرفیت جریان‌سازی علیه جمهوری اسلامی را فراهم می‌کرد. دو، از این جهت که در ارزیابی‌هایی که در آینده از ایران انجام می‌شود، ایران به عنوان عضو این معاهده شناخته می‌شود و حق شرط‌های کلی کم‌رنگ جلوه می‌کند. به همین ترتیب همچون مورد اول، زمینه جریان‌سازی سوء علیه جمهوری اسلامی بیش از پیش فراهم خواهد شد.

۲۸. برخی ممکن است معتقد باشند که به دلیل فشارهای خارجی، جمهوری اسلامی باید امروز یا فردا مفاد این کنوانسیون را بپذیرد. بنابراین جمهوری اسلامی بر مبنای قاعده حفظ نظام بالاخره باید در آینده به این کنوانسیون بپیوندد. معمولاً در این موضع‌گیری‌ها یک قید وارد بر این قاعده مغفول واقع می‌شود و آن قید «اسلامی» است. به تعبیر دیگر عنوان این قاعده عبارت است از: «قاعده حفظ نظام اسلامی». لذا حفظ نظام فارغ از سنگ بنای آن به هیچ وجه صحیح نیست و هرگونه مصلحت‌اندیشی هم می‌بایست محصول تفقه روشمند در منابع و ملاحظه اقتضانات بیرونی توسط فقیه جامع‌الشرایط باشد.

۲۹. در مورد امکان استناد به احکام ثانویه برای پیوستن به کنوانسیون‌هایی مثل منع تبعیض علیه زنان، به نظر می‌رسد در حال حاضر هیچ اضطراری وجود ندارد که مصادق مصلحت باشد تا در مجمع تشخیص مصلحت نظام طرح شود؛ زیرا برای عدول از احکام اولیه شرعی نیازمند احراز یکی از شرایط علل تحقق مصلحت همانند عسر و حرج و اضطرار و ضرورت و مانند آن هستیم. اما جمهوری اسلامی در حال حاضر در موضع ضعف قرار ندارد تا مجبور باشد برای بقای خود چنین مصلحتی برایش محرز شود.

۳۰. طبق فحوص انجام شده، «ضروریات اسلامی» از جمله مفاهیمی است که سابقه دیگری در نظرات شورای نگهبان ندارد. اینکه منظور از ضروریات اسلامی در نظام حقوقی ایران چیست و چه نسبتی با مفاهیم مثل احکام شرع، موازین اسلامی و مانند آن دارد، محل تأمل است. خصوصاً که در این نظر و در بیان مصادیق «ضروریات اسلامی» بر برخی احکام و نهادهای شرعی مثل تفاوت در دیه زن و مرد تأکید دارد. توجه به این مفهوم در این نظر شاخص شورای نگهبان می‌تواند باب جدیدی را در کیفیت نظارت شرعی نگهبان باز کند. خصوصاً که طبق این نظر، «حجاب» از ضروریات اسلام قلمداد شده است.

۳۱. حقوق زنان از جمله موضوعاتی است که جمهوری اسلامی باید مرزبندی خودش را نسبت به دو گفتمان رقیب یعنی گفتمان تحجر و تجدد مشخص کند. چرا که گفتمان انقلاب اسلامی یک رویکرد سوم مبتنی بر فقه پویا است و باید ظروف زمانی و مکانی را در افتا و تعیین حقوق و آزادی‌ها دخالت دهد و دین را به یک گفتمان کارآمد تبدیل کند و ثانیاً با گفتمان روشنفکری غیردینی که به دنبال اباحه‌گری است، مرز خود را مشخص کند. طبیعتاً اختیار یک رویکرد سوم مابین سنت و تجدد، نیازمند یک حرکت عظیم نظری در علوم دینی از جمله فلسفه و کلام و خصوصاً فقه است تا شالوده اصلی مسئله زنان و خانواده اقتباس شود که احتمالاً در برخی احکام جزئی فقهی بازنگری مورد نیاز واقع شود. طبیعتاً رویکرد نظام‌مند به فقه مبتنی بر رویکردهای شهید صدر و امام خمینی (ره) و به طور خاص در خصوص زنان می‌تواند زمینه‌ساز کارآمدی نظام حقوقی و اجتماعی ایران در مسئله پرچالش زنان باشد. چنانچه اگر چنین رویکردی به صورت مشخص استخراج شده بود، جمهوری اسلامی می‌توانست با استدلال دقیق‌تری با این کنوانسیون مواجه شود و حتی با درج حق شرط‌های صریح و مشخص به کنوانسیون بپیوندد.

۳۲. فقدان گفتمان ایجابی مبتنی بر معارف الهی و عدم گسترش گفتمان خانواده‌محور از ایرادات مهم وارد بر سیاست‌های بین‌المللی ایران در مسئله زنان است. عدم فعالیت مؤثر در ترویج گفتمان اخلاقی در کشورهای جهان و یا حداقل در کشورهای اسلامی که سطح وسیعی از همفکری را دارا می‌باشند، به معنی ایجاد فرصت برای طرف مقابل است تا با حمایت‌ها و فضا‌سازی‌ها عرصه را روز به روز برای گفتمان حق‌مدار کمتر کرده و موازین انحرافی خود را از طریق اخذ اجماع جهانی تقویت کند.

۳۳. جمهوری اسلامی در برخی زمینه‌ها حمایت قابل توجه و فراتر از معیار جهانی از زنان داشته است که کمتر شنیده شده است. برای مثال در زمینه حقوق تأمین اجتماعی با مقایسه نظام حقوقی کشورمان با نظام حقوقی ایالات متحده برای زنان در ایران، تسهیلات و معافیت‌های متعددی از جمله مرخصی‌های زایمان و مسائل مربوط به خانواده در نظر گرفته شده که نسبت به ایالات متحده ممتاز و قابل توجه است.^۱ در این خصوص می‌توان به دستاوردهای جمهوری اسلامی در زمینه سواد آموزشی زنان و رشد آن نسبت به متوسط جهانی اشاره کرد.

۱. رک به: عالی، حامد، رستمی، ولی، شفقی، محمدجواد. (۱۳۹۹). تأملی بر حمایت‌های تقنینی نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا از زنان کارگر در حیطه دستمزد برابر و تأمین اجتماعی. مجله تأمین اجتماعی، ۱۶(۴)، ۹۳-۱۱۲

جمع بندی

علی‌رغم آنکه تفاوت مبنایی و هنجاری دو گفتمان حقوق بشر معاصر و گفتمان حقوق بشر در اسلام مورد اتفاق است، اما چهار رویکرد در خصوص الحاق جمهوری اسلامی به معاهدات حقوق بشری شامل «الحاق اجباری حداکثری»، «عدم الحاق مطلق»، «الحاق گزینشی» و «الحاق حداکثری با موضع فعالانه» وجود دارد. وجود حق شرط‌های کلی در خصوص اسناد حقوق بشری نه تنها در حقوق بین‌الملل قابل پذیرش نیست، بلکه پیوستن کشورها را به معاهدات مهمل می‌کند و تجربه عملی در خصوص کنوانسیون حقوق کودک نشان می‌دهد، اختلالاتی را در نظام قانونی به وجود آورده است. همچنین بسته به مقام مجری ممکن است، مفاد کنوانسیون بدون لحاظ موارد مغایرت با شرع عملاً اجرا گردد. لذا دقیق بودن، تفصیلی بودن و صراحت در موارد مغایرت با شرع در خصوص حق شرط ضروری است.

اما آنچه مسلم است، رویارویی جمهوری اسلامی با نظام بین‌الملل حقوق بشر به موضوع پیوستن یا عدم پیوستن به معاهدات حقوق بشری خلاصه نمی‌شود و متناسب با گستردگی جبهه باید به صورت فعالانه در عرصه‌های مختلف از جمله مشارکت در هنجارسازی‌های بین‌المللی، احیای سازمان همکاری‌های اسلامی و تشکیل امت واحده اسلامی بازیگری کند. نگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر دو اصل (۱۱) و (۱۵۴)، مؤید رویکرد فعالانه در عرصه بین‌المللی است. در حالی که وضعیت امروز و تأکید بر استقلال فرهنگی کشور بدون رویکرد فعالانه منجر به انزوای بین‌المللی و دست بسته شدن در کنش‌های بین‌المللی شده است.

نتیجه نظر شورای نگهبان در خصوص کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان مبنی بر رد مصوبه قابل دفاع است. چرا که خصوصیت موضوع زنان عامل تفاوت این نظر شورا با رویه‌های گذشته شورای نگهبان در خصوص معاهدات حقوق بشری بود. تا حدی که تمسک به عناوین ثانویه و مصلحت برای پیوستن فرضی ایران به این معاهده دور از ذهن به نظر می‌رسید.

منابع برای مطالعه بیشتر

۱. خسروشاهی، قدرت‌الله و سعیده یراقی، «بررسی انتقادی کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان در پرتو منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران»، مجله مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۶، شماره ۶۲، ۱۳۹۲.
۲. قامت، جعفر و پرتو صابری قمی. «الحاق ایران به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، فرصت‌ها و تهدیدها»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۵، شماره ۱۸، ۱۳۹۱.
۳. فضایی، مصطفی، «کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و شروط کلی وارد بر آن»، مجله حقوقی، شماره ۳۴، ۱۳۸۵.
۴. حبیب‌زاده، توکل، «جمهوری اسلامی ایران و حق شرط بر معاهدات بین‌المللی حقوق بشر»، نشریه پژوهشی (دانشگاه امام صادق (ع))، ۱۳۸۴.
۵. آذری، هاجر و نسرین طباطبایی حصار، «چالش‌های نظام حقوقی ایران در الحاق به معاهدات حقوق بشری از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۸، شماره ۱، ۱۳۹۶.
۶. آیت‌اللهی، زهرا، «نقدی بر حق شرط در کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان»، مطالعات راهبردی زنان، ش ۱۵، ۱۳۸۱.
۷. ارفع‌نیا، بهشید و مریم دشتی‌زاده، «آثار الحاق ایران به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان بر قانون مدنی»، تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، شماره ۱۱، بهار ۱۳۹۰.
۸. ثابت‌قدم، علی. «بررسی الحاق ایران به کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (ادله موافقین و مخالفین)»، کانون وکلای دادگستری، شماره ۹ و ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۸۷.

۹. ریسی، م «الحاق یا عدم الحاق به کنوانسیون رفع تبعیض از زنان»، مجله فقه و حقوق خانواده، شماره ۲۹، بهار ۱۳۸۲.
۱۰. سیدی، آزاد. «حق شرط بر کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض علیه زنان»، مجله پژوهش حقوق عمومی، شماره ۱۵ و ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.
۱۱. عابدی، احمد و احسان مهرکش، «حق جنسی در اسلام و کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان (با نگاهی نقادانه بر کنوانسیون)»، مجله حقوق اسلامی، شماره ۴۳، زمستان ۱۳۹۳.
۱۲. فضایی، مصطفی، «کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و شروط کلی وارد بر آن»، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۳۴، بهار و تابستان ۱۳۸۵.
۱۳. نژندی‌منش، هبیت‌الله و سارا داورپور، «حق شرط کشورهای اسلامی و اروپایی بر کنوانسیون رفع اشکال هرگونه تبعیض علیه زنان در چارچوب نظام حقوقی حق شرط و موازین مرتبط به آن»، پژوهش‌نامه حقوق بشری، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۹۷.
۱۴. منتظری، هادی «نگاهی بر حقوق زنان از منظر حقوق بین الملل؛ مطالعه موردی کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان»، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، سال سوم، شماره ۹، پاییز ۱۳۹۶.
۱۵. رفیعی، محمدتقی و مجید دباغی، «رویکردهای گوناگون نسبت به جهانی شدن حقوق زنان»، خانواده‌پژوهی، شماره ۴۸، زمستان ۱۳۹۵.
۱۶. احمدی، مینا، «پیامدهای معاهدات بین‌المللی در ایران (بخش پایانی)؛ تحول در امور بنیادین»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۳۰، زمستان ۱۳۸۴.
۱۷. راعی، مسعود، «الحاق به کنوانسیون از منظر موافقان و مخالفان»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۸۲.
۱۸. طبرلو و دیگران. «اثرپذیری حقوق داخلی از قواعد و هنجارهای حقوق بین‌الملل»، مطالعات حقوق عمومی، شماره ۲، ۱۳۹۸.

۱۹. حمیدالله، محمد، سلوک بین‌المللی دولت اسلامی، ترجمه سیدمصطفی محقق داماد، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۶.
۲۰. حبیب‌زاده، توکل و محمدصالح عطار، «ارزیابی مفهومی «حقوق نرم» در نظام منابع حقوق بین‌الملل»، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۲، ۱۳۹۱.



امام خمینے (ره)

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آینده که با کمال دقت و قدرت وظایف اسلامی و ملی خود را ایفا و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه‌ای جلوگیری نمایند.



تهران | خیابان شهید بهشتی
خیابان سرافراز | کوچه پنجم | پلاک ۱۱

www.ccri.ac.ir

کد پستی ۱۵ ۹۷ ۸۵ ۶۱ ۱۳
دبیرخانه ۰۲۱ ۸۸۵ ۳۳۴ ۲۲



پژوهشکده شورای نگهبان